



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه علوم تربیتی

پایان نامه:

جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته مدیریت آموزشی

عنوان پژوهش:

بررسی رابطه بین هوش معنوی و شادکامی با تصور معلمان از توفیق در تدریس در

بین دبیران دبیرستان‌های دخترانه شهرستان بوکان در سال تحصیلی ۹۲-۹۳

اساتید راهنما:

دکتر تقی علی اشرف جودت

دکتر علیرضا حسین پور

اساتید داور:

دکتر قلاوندی

دکتر محمد حسنی

تنظیم و نگارش:

رضوان مصطفی پور

تابستان ۹۳

حق چاپ و نشر برای دانشگاه ارومیه محفوظ است.

## تقدیم به

پدر و مادر عزیز و بزرگوارم که علیرغم تحمل سختی‌ها و دشواری‌های فراوان مسیر  
پرپیچ و خم کسب دانش و معرفت را برایم هموار نموده و از دعای خیرشان بی‌نصیب  
نبوده‌ام و

برادرها و خواهرم، همراهان همیشگی و پشتوانه‌های زندگیم.

## تشکر و قدردانی

با سپاس فراوان از زحمات استاد محترم و گرانقدر جناب آقای دکتر علیرضا حسین-پور که از ابتدای راه و در طی انجام این تحقیق، با راهنمایی‌های خود مرا در نگارش این اثر یاری نمودند و جناب آقای دکتر محمد حسنی و دکتر قلاوندی که زحمت داوری این اثر را برعهده گرفتند .

و همه اساتید گرانقدر که در طول دوران تحصیل از راهنمایی‌هایشان بهره‌مند بودم.

## فهرست مطالب

۱	فصل اول	۱
۱	کلیات تحقیق	۱
۱-۱	مقدمه	۱
۲-۱	بیان مسأله	۲
۳-۱	سابقه و ضرورت انجام تحقیق:	۶
۴-۱	اهداف پژوهش	۸
۱-۴-۱	هدف کلی	۸
۲-۴-۱	اهداف فرعی	۸
۵-۱	فرضیه ها	۹
۱-۵-۱	فرضیه کلی	۹
۲-۵-۱	فرضیه های فرعی	۹
۶-۱	سؤالات پژوهشی:	۹
۱-۶-۱	سؤالات اصلی:	۹
۷-۱	تعاریف واژه ها و اصطلاحات:	۱۰
۱-۷-۱	تعاریف نظری:	۱۰
۲-۷-۱	تعاریف عملیاتی	۱۰
۱۱	فصل دوم	۱۱
۱۱	ادبیات تحقیق	۱۱
۱-۲	مقدمه:	۱۲
۲-۲	چیستی هوش:	۱۴
۱-۲-۲	هوش:	۱۴
۲-۲-۲	معنویت:	۱۶
۳-۲-۲	همپوشی بین معنویت و مذهب	۱۷
۴-۲-۲	ویژگیهای هوش معنوی در اسلام:	۱۸
۵-۲-۲	هوش معنوی	۱۹
۶-۲-۲	تعاریف هوش معنوی	۲۰
۷-۲-۲	تشخیص افتراقی هوش معنوی با هوش کلی و هیجانی	۲۴
۸-۲-۲	کاربردهای هوش معنوی	۲۵
۹-۲-۲	مؤلفه های هوش معنوی	۲۶
۱۰-۲-۲	مدلهای هوش معنوی	۳۱
۱-۱۰-۲-۲	مدل وگان:	۳۱
۲-۱۰-۲-۲	مدل بروس لیچفیلد	۳۲

۳۲	..... ۲-۲-۱۰-۳-مدل زهر و مارشال (۲۰۰۰)
۳۳	..... ۲-۲-۱۰-۴-مدل آمرام (۲۰۰۷)
۳۳	..... ۲-۲-۱۱-راههای پرورش هوش معنوی
۳۵	..... ۲-۳-شادکامی
۳۶	..... ۲-۳-۱-اهمیت و ضرورت شادی از دیدگاه قرآن و روایات
۳۷	..... ۲-۳-۲-شادی در چارچوب هیجانها
۳۸	..... ۲-۳-۳-مؤلفه های شادکامی
۳۸	..... ۲-۳-۴-شاخصهای شادکامی
۳۹	..... ۲-۳-۵-نظریه های مربوط به شادکامی
۳۹	..... ۲-۳-۵-۱-نظریه آرجیل
۳۹	..... ۲-۳-۵-۲-نظریه داینر و همکاران
۴۰	..... ۲-۳-۵-۳-نظریه وینهوون
۴۰	..... ۲-۳-۵-۴-نظریه سلیگمن
۴۱	..... ۲-۳-۵-۵-نظریه مارتین
۴۳	..... ۲-۳-۶-عوامل مؤثر بر شادکامی
۴۳	..... ۲-۳-۶-۱-عوامل موقعیتی
۴۵	..... ۲-۳-۶-۲-عوامل فردی
۴۷	..... ۲-۳-۷-دیدگاههای مربوط به شادکامی
۴۸	..... ۲-۴-تصور معلم از توفیق در تدریس
۴۸	..... ۲-۴-۱-تدریس
۴۹	..... ۲-۴-۱-۱-تدریس به عنوان یک علم
۵۱	..... ۲-۴-۱-۲-تدریس به عنوان یک هنر
۵۴	..... ۲-۴-۲-ویژگیهای تدریس موثر
۵۶	..... ۲-۴-۳-شرایط یک تدریس اثربخش
۵۷	..... ۲-۴-۳-۱-راهکارهای کاربردی یک تدریس اثر بخش
۵۸	..... ۲-۴-۴-نقش معلم
۵۹	..... ۲-۴-۵-نظریه های مربوط به رضایت شغلی معلمان
۶۱	..... ۲-۴-۶-احساس توفیق از تدریس
۶۲	..... فصل سوم
۶۲	..... روش تحقیق
۶۳	..... ۳-۱-مقدمه
۶۳	..... ۳-۲-روش پژوهش
۶۳	..... ۳-۳-جامعه آماری

۶۴	۳-۴- حجم نمونه و روش نمونه گیری
۶۴	۳-۵- روشهای جمع آوری اطلاعات
۶۵	۳-۶- ابزار اندازه گیری
۶۵	۳-۶-۱- پرسشنامه خودسنجی هوش معنوی
۶۷	۳-۶-۲- پرسشنامه شادکامی آکسفورد
۶۹	۳-۶-۳- پرسشنامه تصور معلمان از توفیق در تدریس
۷۰	۳-۷- روشهای آماری مورد استفاده برای بررسی داده های پژوهش
۶۶	فصل چهارم
۶۶	تجزیه و تحلیل
۷۲	۴-۱- مقدمه
۷۲	۴-۲- آمار توصیفی
۷۵	۴-۳- آمار استنباطی
۷۵	۴-۳-۱- آزمون کولموگراف اسمیرنف
۷۵	۴-۴- آزمون فرضیه ها و سؤالات
۷۵	۴-۴-۱- سؤال اول
۷۶	۴-۴-۲- سؤال دوم
۷۶	۴-۴-۳- فرضیه کلی
۷۷	۴-۴-۴- فرضیه اول
۷۸	۴-۴-۵- فرضیه دوم
۷۹	۴-۴-۶- فرضیه سوم
۷۸	فصل پنجم
۷۸	بحث و نتیجه گیری
۸۱	۵-۱- مقدمه
۸۱	۵-۲- بحث و بررسی سؤالات و فرضیه های پژوهش
۸۸	۵-۵- بحث و نتیجه گیری
۹۰	۵-۶- پیشنهادات
۹۰	۵-۶-۱- پیشنهادات کاربردی
۹۰	۵-۶-۲- پیشنهادات پژوهشی
۹۰	۵-۶-۳- محدودیتهای پژوهش
۹۲	منابع فارسی
۹۶	پیوستها

## فهرست جداول

۷۲	جدول (۱-۴) اطلاعات توصیفی مربوط به سن
۷۳	جدول (۲-۴) اطلاعات توصیفی تحصیلات
۷۴	جدول (۳-۴) اطلاعات توصیفی مربوط به سابقه
۷۵	جدول (۴-۴) میزان هوش معنوی
۷۶	جدول (۵-۴) میزان شادکامی
۷۶	جدول (۶-۴) همبستگی پیرسون بین هوش معنوی و شادکامی با تصور معلمان از توفیق در تدریس
۷۷	جدول (۷-۴) ماتریس همبستگی بین هوش معنوی و شادکامی
۷۸	جدول (۸-۴) ماتریس همبستگی بین هوش معنوی با تصور معلمان از توفیق در تدریس
۷۹	جدول (۹-۴) ماتریس همبستگی بین شادکامی با تصور معلمان از توفیق در تدریس

## فهرست شکل‌ها

شکل ۱-۲ همپوشی بین معنویت و مذهب ..... ۱۷

## فهرست نمودار

نمودار (۱-۴) ..... ۷۲

نمودار (۲-۴) پراکندگی میزان تحصیلات ..... ۷۳

نمودار (۳-۴) ..... ۷۴



## چکیده

معنویت یکی از نیازهای درونی انسان است که برخی از صاحب‌نظران، آن را متضمن بالاترین سطوح زمینه‌های رشد شناختی، اخلاقی، عاطفی و تلاش همواره آدمی برای پاسخ دادن به چراهای زندگی می‌دانند. احساس موفقیت از تدریس یکی از عوامل بسیار مهم در امر کیفیت آموزش و موفقیت شغلی معلمان است. هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین هوش معنوی و شادکامی با تصور معلمان از توفیق در تدریس بود. بدین منظور تعداد ۱۴۸ معلم از دبیران دبیرستانهای دخترانه شهرستان بوکان، با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در این تحقیق شامل، پرسشنامه هوش معنوی کینگ، پرسشنامه شادکامی آکسفورد و پرسشنامه تصور معلمان از توفیق در تدریس بود. روش این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. داده‌ها با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی از جمله آزمون همبستگی پیرسون و آزمون آنوا تحلیل شد. نتایج نشان می‌دهد که نمره هوش معنوی و شادکامی دبیران در حد متوسط به بالا می‌باشد. همچنین نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین هوش معنوی و شادکامی ارتباط مثبت و معناداری هست. اما بین هوش معنوی و شادکامی با تصور معلمان از توفیق در تدریس رابطه مثبت و معناداری وجود ندارد.

**کلید واژه:** هوش معنوی، شادکامی، تصور معلمان از توفیق در تدریس، تدریس

# فصل اول

## کلیات تحقیق

**۱-۱- مقدمه**

رویکردهای معنوی به دانش و سلامت، اخیراً مورد تأکید و توجه محققان و اساتید قرار گرفته است. سازه هوش معنوی یکی از مفاهیم جدید، جذاب و بحث‌برانگیزی است که در پرتو توجه و علاقه جهانی محققان، صاحب‌نظران و به ویژه روانشناسان به حوزه دین و معنویت مطرح شده و توسعه پیدا کرده است. ضروری است که پیش از پرداختن به ویژگی‌ها و تفاوت‌های هوش معنوی با سایر انواع هوش، دیدگاه‌های متعدد درباره هوش معنوی در قالب تعاریف و توصیف ارائه شود تا موجب تصریح موضوع شود. پیشرفت علم روانشناسی از یک سو و ماهیت پویا و پیچیده‌ی جوامع نوین از سوی دیگر، باعث شده است که نیازهای معنوی بشر در برابر خواسته‌ها و نیازهای مادی قد علم کنند و اهمیت بیشتری یابند. به طوری که سازمان بهداشت جهانی در تعریف ابعاد وجودی انسان، به ابعاد جسمانی، روانی، اجتماعی و معنوی اشاره می‌کند و بعد چهارم یعنی بعد معنوی را نیز در رشد و تکامل انسان مطرح می‌سازد. اما علی‌رغم تأکید روز افزون دانشمندان بر بعد معنوی رشد انسان، هنوز تعریف واحدی که دربرگیرنده تمامیت معنویت باشد، ارائه نشده است.

وون (۱۹۹۳) معنویت را به عنوان تلاشی دائمی بشر برای پاسخ دادن به چراهای زندگی تعریف کرده است. معنویت یکی از نیازهای درونی انسان است که برخی صاحب‌نظران آن را متضمن بالاترین سطوح زمینه‌های رشد شناختی، اخلاقی، عاطفی، فردی (فارو<sup>۱</sup>، ۱۹۸۳)، تلاش همواره آدمی برای پاسخ دادن به چراهای زندگی می‌دانند. در یکی دو دهه اخیر رویکرد روانشناسی مثبت مورد توجه روانشناسان بسیاری قرار گرفته است (سلیگمن<sup>۲</sup> و سکزنتمی هالای<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱). یکی از مباحثی که در سالهای اخیر در رویکرد روانشناسی مثبت مورد توجه قرار گرفته است، مبحث شادی است. واژه شادی<sup>۴</sup> مفهومی روانشناختی است که دارای تعاریف و ابعاد مختلفی می‌باشد.

در سطح عموم مردم شادی، بودن در حالت خوشحالی و سرور یا دیگر هیجانات مثبت، رضایت از زندگی و فقدان افسردگی و دیگر عواطف منفی است. در مباحث روانشناختی شادی به عنوان یکی از هیجانات مثبت طبقه‌بندی

---

<sup>۱</sup> Farrow

<sup>۲</sup> Selligman

<sup>۳</sup> Scikszentimihaly

<sup>۴</sup> Happiness

شده است که انسانها در فعالیتهای روزمره خود آن را تجربه می‌کنند. روانشناسانی همچون آرگایل<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) نیز شادی را ترکیبی از وجود عاطفه مثبت، عدم وجود عاطفه منفی و رضایت از زندگی می‌دانند. سرور<sup>۲</sup> یکی از سه جزو شادی یا شادکامی است. همانگونه که در تعریف آرگایل مشخص شده است دو بعد دیگر شادی، رضایت از زندگی و فقدان عاطفه منفی است. سرور جنبه هیجانی شادی و رضایت از زندگی جنبه‌ی شناختی آن می‌باشد (آرگایل، ۲۰۰۱).

در جامعه‌ی امروز، آموزش و پرورش یگانه وسیله‌ی دسترسی به شیوه‌ی قوی‌تر و توسعه و پیشرفت بیشتر است. امروزه همه‌ی ملتها، با هر نظام سیاسی و اجتماعی، پیشرفته و در حال پیشرفت، به مساله تربیت توجه دارند. این توجه شدید بی‌دلیل نیست و بر منطقی قوی بنیاد شده است (معیری، ۱۳۸۰). هنگامی که سخن از آموزش و پرورش یا آموزش عالی به میان می‌آید، مفاهیمی همچون معلم و به ویژه تدریس به مراتب بیشتر از سایر متغیرهای مربوط نمایان می‌شوند، تا آنجا که حتی عده‌ای تدریس را مترادف با آموزش و پرورش تلقی کرده‌اند (فتحی آذر، ۱۳۸۲).

## ۱-۲- بیان مسأله

معنویت از نیازهای درونی انسان است و هوش معنوی به عنوان زیربنای باورهای فرد نقش اساسی در زمینه‌های گوناگون دارد. هوش معنوی از مفاهیمی است که در پرتوی توجه و علاقه جهانی روان‌شناسان به حوزه دین و معنویت مطرح شده است و توسعه یافته است. کینگ (۲۰۰۸) هوش معنوی را به عنوان مجموعه ظرفیت‌های روانی که با آگاهی، انسجام، کاربرد سازوار جنبه‌های متعالی و معنوی (غیرمادی) وجود فرد سر و کار دارد تعریف می‌کند که به پیامدهایی همچون افزایش معنا، بازشناسی خود متعالی و تسلط ویژگی‌های معنوی می‌انجامد. او چهار مؤلفه اصلی تشکیل دهنده هوش معنوی را تفکر وجودی انتقادی، خلق معانی شخصی، آگاهی متعالی و توسعه حالت آگاهی می‌داند.

پژوهش‌های بی‌شماری، رابطه مثبت بین معنویت و موفقیت را تایید نموده است. نتایج این پژوهش‌ها حاکی از آن است که ارزش‌های معنوی نه تنها به بهبود کیفیت زندگی کاری کارکنان می‌انجامد بلکه این توانایی بالقوه را دارد که کل سازمان را ارتقاء بخشد (لان و ماهر به نقل از ماهوور، ۲۰۰۷).

<sup>۱</sup>Argyle  
<sup>۲</sup>Joy

مفهومی که مقوله های معنویت و هوش را درون یک سازه جدید ترکیب می کند (آمرام، ۲۰۰۷). با نگاهی اجمالی از دوران افلاطون که هوش را به قالب های موم تشبیه نمود تا نگاه گاردنر (۱۹۸۳) و طرح نظری هوش چندگانه و پس از آن معرفی هوش هیجانی و در نهایت هوش معنوی، می توان پی برد مقوله هوش برای بسیاری از اندیشمندان عرصه ای مهم و چالش انگیز است (کینگ، ۲۰۰۸).

نقش معنویت به عنوان یکی از عوامل موثر بر شادکامی غیرقابل انکار است. هر چند که در تعریف این واژه اختلاف نظر زیادی وجود دارد. تعریف های معنویت، از بهترین آنها که جنبه انسانی دارد تا جستجوی معنای وجودی و تا تعالی جنبه انسانی متفاوت است (مارتینز، ۱۹۸۸، به نقل از کلانتری، ۱۳۸۷).

این در حالی است که اخیراً نویسندگان شروع به بیان طرح تقابل بین دین و معنویت کرده اند، به این گونه که برخی پیشنهاد کرده اند دین مؤسسه ای<sup>۱</sup>، جزمی<sup>۲</sup> و محدودکننده<sup>۳</sup> است، در حالی که معنویت شخصی<sup>۴</sup>، ذهنی<sup>۵</sup> و ارتقا دهنده<sup>۶</sup> زندگی است این نوع قطبی کردن درست به نظر نمی رسد. مطالعات تجربی نشان می دهد که بیشتر مردم تمایل دارند خود را مذهبی و معنوی معرفی کنند (زینبایر<sup>۷</sup> و همکاران، ۱۹۹۷، به نقل از فتاحی و همکاران، ۱۳۹۰).

معنویت نمود کارکرد کلیدی و یگانه ی دین است. معنویت به عنوان جستجوی تقدس تعریف شده است (پارگامنت، ۱۹۹۹). معنویت همان چیزی است که مردم با آن زندگی می کنند و در فضای آن نفس می کشند (ملکیان، ۱۳۸۶). بر این اساس، معنویت پایدارترین عنصر دین است. روی آوردن به معنویت به دلیل نیاز ژرف و پایای نهفته در روح هر کس است و قطعاً این نیاز برآورده شدنی است انسان براساس نیاز آفریده شده است و پایه و بنیان انسان را نیاز تشکیل می دهد. مطالعات دهه های اخیر نشان می دهد که اعتقادات دینی، یکی از مؤثرترین عوامل بهداشت روانی و شادی انسان ها است. به همین ترتیب، پژوهش ها بیشتر عوامل روانی - اجتماعی و معنوی را در افزایش میزان شادکامی مؤثر می دانند. برخی محققان بر این باورند که معنویت بر بهزیستی روانی تأثیر می گذارد، چنانچه مطالعات بسیاری براساس نمونه های ملی نشان می دهد که شادکامی به

<sup>۱</sup> institutional

<sup>۲</sup> dogmatic

<sup>۳</sup> restrictive

<sup>۴</sup> personal

<sup>۵</sup> subjective

<sup>۶</sup> Life enhancing

<sup>۷</sup> zinbauer

طور معناداری با احساس نزدیک بودن به خداوند و داشتن تصویری دوستانه از او، تعهد مذهبی و ایمان استوار و با همه مهم‌ترین باورها، با این باور به وجود یک هدف واقعی در زندگی و اعتقاد به زندگی پس از مرگ، تجربه اوج و تجربه نیایش و جنبه‌های مذهبی و مشارکتی دینداری رابطه دارد (الیسون و همکاران، ۱۹۹۱).

همچنین نقش و اهمیت شادی در بهداشت روانی، سلامت جسمانی و کارآمدی و یکی دیگر از مهم‌ترین اولویت‌های روان‌شناسی است و در دهه‌های اخیر توجه ویژه‌ای به این مقوله شادکامی شده است. نقش معنویت و مذهب در شادکامی، پژوهش‌های فراوانی را در غرب به خود اختصاص داده است. برادبرن شادی را تعادل میان تجربه‌های هیجانی مثبت و منفی در طول یک دوره زمانی می‌داند. آرگیل و همکاران، شادی را ترکیبی از عاطفه مثبت، فقدان عاطفه منفی و رضایت از زندگی می‌دانند. از عهد باستان، به احساسات مثبت انسان از جمله شادکامی توجه شده است. به عقیده‌ی ارسطو دست کم سه نوع شادکامی وجود دارد؛ پایین‌ترین سطح شادکامی همان لذت است. در سطح بعد عقیده‌ی مردم عادی است که شادکامی معادل موفقیت و کامیابی می‌دانند و در بالاترین سطح، شادکامی مورد نظر ارسطو شادکامی ناشی از معنویت قرار می‌گیرد (به نقل از آیزنک، خسروی و همکاران، ۱۳۸۹، صص ۸-۱۴). به عبارت دیگر ارسطو شادکامی را عبارت از زندگی معنوی می‌داند و افلاطون آن را حالت تعادل میان سه عنصر استدلال، هیجان و امیال ارزیابی می‌کند (عابدی، میرشاه جعفری و لیاقتدار، ۱۳۸۵، صص ۹۵-۱۰۰).

از نظر تئوری، عقیده بر این است که افراد قادرند شادکامی و خوشبختی‌شان را با کنترل افکارشان افزایش دهند برای مثال باور داشتن به این که یک نیرو و هدف ماورایی وجود دارد، می‌تواند منجر به شادکامی بیشتر افراد شود. براساس نتایج برخی مطالعات، بین هوش معنوی و شادکامی رابطه مثبت مشاهده شده است. استفاده از هوش معنوی، فرد را قادر می‌سازد تا برای حل مشکلات با شیوه نگرش معنوی اقدام کند و به حقیقت رسیده و احساس شادکامی نمایند وقتی افراد احساس شادی کنند، خلاق‌تر و کارآمدتر هستند و می‌توانند بهتر تصمیم‌گیری نمایند. (رئیسی و همکاران، ۱۳۹۲، صص ۴۴۰-۴۳۱).

مطالعات همچنین نشان داده‌اند که در جوامع متمدن کنونی انسان‌های شاد و سالم دارای حس مسئولیت‌پذیری بالایی خواهند بود. احساس مثبت و خوشبینانه نسب به رویدادهای اطراف خود هستند و به جای سوگیری‌های منفی نسبت به اتفاقات دنیای خود، سعی در استفاده بهینه از این وقایع می‌نمایند (روجاس، ۲۰۰۷).

از دیدگاه پترسون (۲۰۰۰) افراد شاد تمایل دارند خود و دیگران را مثبت ببینند و وقایع را مثبت تفسیر نمایند. آنان به شکست، زیاد فکر نمی‌کنند و از فرصت‌هایی که به دست می‌آورند تصمیمات منطقی و درست می‌گیرند و خوش‌بینی واقع‌بینانه به وقایع دارند. مجموع پژوهش‌ها و تحقیقات مربوط به شادی، نشان‌دهنده آن است که افراد شاد از نظر ساختار فکری، قضاوت و انگیزش با افراد ناشاد تفاوت دارند و از بازدهی فردی، خانوادگی، شغلی، تحصیلی و اجتماعی بالاتری برخوردار هستند (لیوبومیرسکی و همکاران، ۲۰۰۵).

هوش معنوی، به عنوان یک سازه روانی - رفتاری، به افراد یاری می‌رساند تا به ارزیابی موقعیت کاری خود پرداخته و در خود نسبت به خود احساس دلسوزی داشته باشند این موضوع از آن جهت دارای اهمیت است که افراد دارای حس خود دلسوزی نسبت به دیگران نیز می‌توانند دلسوزی نشان دهند. افراد حوزه‌های اجتماعی مختلف از جمله معلمان می‌توانند با رشد مؤلفه‌های هوش معنوی به شغل خود معنا و مفهوم بخشند (نوبل، ۲۰۰۰)، با توجه به اهمیت هوش معنوی در عرصه‌های مختلف زندگی (اعم از تعلیم و تربیت) و نیز یافته‌های متنوع آن بر سلامت روانی، تحقیقاتی اندک در کشور ما در زمینه ارتباط هوش معنوی با شادکامی انجام شده است. مطالعه علمی این دو مسئله با توجه به ویژگی‌های فرهنگی و مذهبی خاص جامعه ما، اهمیت زیادی دارد. همانگونه که تحقیق‌ها در غرب نشان می‌دهد، معنویت نقش مهمی در شادی و سلامت روان دارد. بنابراین، با توجه به فرهنگ و مذهب مردم ایران بارزتر است، پس می‌تواند در سلامت روان و شاخص‌های آن که شادکامی یکی از آنها است، نقش بارزی ایفا کند. از این‌رو تصمیم گرفته شد که این موضوع در ایران نیز بررسی شود. ولی این متغیرها در رابطه با توفیق و شکست معلمان در امر تدریس (آموزش) بررسی نشده است. مطالعه علمی این مسئله با توجه به ویژگی‌های فرهنگی و مذهبی خاص جامعه‌ی ما اهمیت زیادی دارد. همانگونه که تحقیقات پیشین نشان می‌دهد معنویت نقش مهمی در شادی و سلامت روان دارد. در کشور ما نیاز به بررسی بیش‌تر این مقوله‌ها در جامعه‌های پژوهش متفاوت کاملاً مشهود است. اغلب تصور می‌شود که معلمان ما از هوش معنوی و شادکامی برخوردارند و قادرند که این مهارت‌ها را در کودکان نیز پرورش دهند لذا در این زمینه تلاش زیادی صورت نگرفته است. گرچه در مورد اهمیت آن‌ها برای مشاغل گوناگون بررسی‌هایی صورت گرفته اما در مورد تأثیر آن بر تدریس معلمان پژوهش کمی صورت گرفته است. معلمان از جمله کسانی هستند که با توجه به ماهیت شغلی و حرفه‌ای خود، روزانه به صورت مستقیم با خیل عظیمی از دانش‌آموزان در ارتباط می‌باشند. با توجه به تحقیقات پیشین تصور می‌شود که کسانی که از هوش معنوی و شادکامی بیشتری برخوردارند باید در تدریس عملکرد خوبی داشته باشند.

بنابراین با توجه به روابطی که می‌توان بین دو متغیر هوش معنوی و شادکامی تصور نمود و همچنین با در نظر داشتن کمبود شواهد تجربی محکم در خصوص تصور معلمان از توفیق در تدریس، پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه هوش معنوی و شادکامی با تصور معلمان از توفیق در تدریس انجام می‌شود.

### ۱-۳- سابقه و ضرورت انجام تحقیق:

اهمیت و ضرورت طرح موضوع معنویت و مذهب، به ویژه هوش معنوی، از جهات مختلف در عصر جدید احساس می‌شود. یکی از این ضرورت‌ها در عرصه‌ی انسان‌شناسی توجه به بعد معنوی انسان از دیدگاه دانشمندان، به ویژه کارشناسان سازمان جهانی بهداشت است که اخیراً انسان را موجودی زیستی، روانی و اجتماعی و معنوی معرفی می‌کند.

ضرورت دیگر طرح این موضوع ظهور دوباره‌ی کشش معنوی و نیز جستجوی درک روشن‌تری از ایمان و کاربرد آن در زندگی روزانه (وست<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹، ترجمه شهیدی و شیرافکن، ۱۳۸۳). همچنین گستره‌ی معنویت و مذهب در همه‌ی زوایای زندگی انسان و نیز لزوم ارزیابی مجدد نقش مذهب در بهداشت روانی است. پژوهش درباره‌ی معنویت امروزه در رشته‌های متنوعی از قبیل پزشکی، روان‌شناسی، انسان‌شناسی، عصب‌شناسی و علوم شناختی در حال پیشرفت است.

تحقیقات نشان می‌دهد که شادی صرف نظر از چگونگی کسب آن می‌تواند سلامتی جسمانی را بهبود بخشد. افرادی که شاد هستند احساس امنیت بیشتری می‌کنند، آسان‌تر تصمیم می‌گیرند، دارای روحیه مشارکتی بیشتری هستند و نسبت به کسانی که با آنها زندگی می‌کنند، بیشتر احساس رضایت دارند (مایرز، ۲۰۰۲).

افزایش شادی فردی و اجتماعی یکی از اهداف و اولویت‌های بسیاری از فعالیتهای حرفه‌ای و تخصصی، ایجاد شادی و افزایش شادی در افراد و گروه‌هاست. در سطح کلان، مسئولین و مدیران ارشد کشورهای مختلف همواره سعی دارند در قوانین و روشهای اجرایی اداره کشورشان به گونه‌ای عمل شود که به طور مستمر شادی مردم افزایش یابد. داشتن کارکنانی شاد و کارآمد از آرمانهای مجموعه‌های صنعتی می‌باشد. شادی کارکنان با بهره‌وری، منتشر نمودن مقالات مربوط به شادی کردند.

---

<sup>۱</sup>West



در دهه‌های اخیر توجه ویژه‌ای به مقوله شادکامی شده است و نقش معنویت و مذهب در شادکامی پژوهش‌های فراوانی را در غرب به خود اختصاص داده است ولی در ایران مطالعات محدودی در این باره صورت گرفته است، با توجه به فرهنگ و مذهب مردم ایران به نظر می‌رسد چون دین در زندگی مردم ایران بارزتر است پس می‌تواند در موفقیت و داشتن انگیزه نقش مهمی را ایفا کند.

در میان تحقیقاتی که انواع مختلف هوش را کشف کرده‌اند هوارد گاردنر (۱۹۹۳) پیشقدم کاربر روی هوش‌های چندگانه است. تحقیقات گاردنر دلالت بر انواع متفاوت هوش دارد که نسبتاً مستقل از یکدیگر رشد می‌کنند و هر مهارت مخصوص ناحیه‌ای از مغز است گاردنر هوش را مجموعه توانایی‌هایی می‌داند که برای حل مسئله و ایجاد محصولات جدیدی که در یک فرهنگ ارزشمند تلقی می‌شوند، به کار می‌رود که بالاترین سطح آن هوش معنوی است (گاردنر، ۲۰۰۰).

اهمیت مطالعه شادکامی به حدی است که برخی از پژوهشگران و نظریه‌پردازان قدیمی، از جمله سلیگمن (۱۹۹۹) معتقدند؛ بهتر است به جای توجه به افسردگی به شادکامی توجه شود و این باعث شده پژوهش‌هایی را درباره عوامل موثر بر آن و شیوه‌های افزایش آن انجام شود (کشاورز و همکاران، ۱۳۸۷). در باب اهمیت شادکامی، لیوبومیرسکی، کینگ و... (۲۰۰۵) معتقدند که افراد شاد، در حوزه‌های چندگانه زندگی نظیر ازدواج، درآمد، عملکرد شغلی و سلامتی موفق‌تر از افراد ناشادند علاوه بر این نتایج تحقیقات مختلف نشان می‌دهد که شادکامی، صرف‌نظر از چگونگی به دست آوردن آن، می‌تواند سلامت جسمانی و روانی را بهبود بخشد (مایرز، ۲۰۰۱). مطالعاتی که در ایران انجام شده با برخی تحقیقات ملیت‌های مختلف هم‌سویی دارد که نشان داده‌اند افرادی که از معنویت بیش‌تری برخوردارند شادکامی بیش‌تری را گزارش می‌کنند. یعقوبی و همکاران نشان دادند که با افزایش میزان هوش معنوی، میزان شادکامی دانشجویان نیز افزایش می‌یابد (یعقوبی، ۱۳۸۹، صص ۹۵-۸۵).

پژوهش‌های بی‌شماری رابطه‌ی مثبت بین هوش معنوی و موفقیت را تأیید نموده است نتایج این پژوهش‌های حاکی از آن است که ارزش‌های معنوی نه تنها به بهبود کیفیت زندگی کاری کارکنان می‌انجامد بلکه این توانایی بالقوه را دارد که کل سازمان را ارتقاء بخشد (حمیدی، به نقل از هوور، ۱۳۹۱)

یافته‌های پژوهش (موسوی و همکاران، ۱۳۹۰) نشان داد که بین هوش معنوی کل با رفتار شهروندی سازمانی کلی معلمان همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین مؤلفه‌های هوش معنوی (تفکر انتقادی وجودی،

آگاهی متعالی، معناسازی شخصی و گسترش خودآگاهی) می‌توانند مؤلفه نوع دوستی و وظیفه‌شناسی معلمان را تبیین و مؤلفه‌های تفکر انتقادی وجودی، آگاهی متعالی و معناسازی شخصی می‌توانند مؤلفه احترام و رفتار شهروندی سازمانی کلی معلمان را پیش‌بینی کنند.

به اعتقاد وینهوون (به نقل از حقیقی و همکاران، ۱۳۸۵) شادی فعالیت فرد را برمی‌انگیزد و روابط اجتماعی و سیاسی را تسهیل می‌کند. به نظر می‌رسد سازمانهای آموزشی و مدارس برای حفظ حیات و کارکرد خود نیازمند کارکنان و معلمانی با هوش عمیق‌تر و جدیدتر می‌باشند تا به وسیله آن بتوانند به نحوه اثربخش‌تری به وظایف خود عمل کنند. در حال حاضر دیگر (IQ) و (EQ) پاسخگوی همه نیازها نیست بلکه انسان‌ها نیاز به عامل سومی دارند که هوش معنوی نامیده می‌شود (چریر، ۲۰۰۴، به نقل از نداف و همکاران، ۱۳۸۹). معنویت در کار با افزایش خلاقیت، صداقت، اعتماد و تعهد در محیط کاری همراه با بالا رفتن احساس تکامل شخصی و بالندگی کارکنان پیوند خورده است (موسوی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۷۲).

براساس مبانی نظری مطرح شده و با توجه به نتایج مرور مطالعات تاکنون پژوهشی که به طور مستقیم به بررسی ارتباط هوش معنوی و شادکامی با تصور معلمان از توفیق در تدریس بپردازد، انجام نشده است لذا این پژوهش با هدف اصلی بررسی ارتباط هوش معنوی و شادکامی با تصور معلمان از توفیق در تدریس در بین دبیران دبیرستانهای بوکان بررسی می‌شود.

## **۱-۴-۱- اهداف پژوهش**

### **۱-۴-۱- هدف کلی**

۱- بررسی رابطه‌ی بین هوش معنوی و شادکامی با تصور معلمان از توفیق در تدریس

### **۱-۴-۲- اهداف فرعی**

۲- تعیین وضعیت هوش معنوی دبیران دبیرستانهای شهرستان بوکان

۳- تعیین وضعیت شادکامی دبیران دبیرستانهای شهرستان بوکان

- ۴- بررسی رابطه هوش معنوی با شادکامی دبیران دبیرستانهای شهرستان بوکان
- ۵- بررسی رابطه هوش معنوی با تصور معلمان از توفیق در تدریس دبیران
- ۶- بررسی رابطه شادکامی با تصور معلمان از توفیق در تدریس دبیران

### ۱-۵- فرضیه‌ها

#### ۱-۵-۱- فرضیه کلی

- ۱- بین هوش معنوی و شادکامی با تصور معلمان از توفیق در تدریس رابطه وجود دارد.

#### ۱-۵-۲- فرضیه‌های فرعی

- ۲- بین هوش معنوی با شادکامی دبیران رابطه وجود دارد.
- ۳- بین هوش معنوی با تصور معلمان از توفیق در تدریس رابطه وجود دارد
- ۴- بین شادکامی با تصور معلمان از توفیق در تدریس رابطه وجود دارد.

#### ۱-۶- سؤالات پژوهشی:

##### ۱-۶-۱- سؤالات اصلی:

- ۱- وضعیت هوش معنوی دبیران دبیرستانهای بوکان چگونه است؟
- ۲- وضعیت شادکامی دبیران دبیرستانهای بوکان چگونه است؟

## ۱-۷- تعاریف واژه‌ها و اصطلاحات:

### ۱-۷-۱- تعاریف نظری:

**تعریف مفهومی هوش معنوی:** به معنای مجموعه‌ای از قابلیت‌های سازش روانی که مبتنی بر جنبه‌های غیرمادی و متعالی واقعیت است به ویژه آنهایی که با ماهیت هستی فرد، معنای شخصی، تعالی و سطوح بالاتر هشیار مرتبند (کینگ، ۲۰۰۸). از نظر ولمن (۲۰۰۱). هوش معنوی از نظر آمرام (۲۰۰۷)، عبارت است از مجموعه‌ای از توانایی‌ها برای کاربست و ابزار منابع، ارزشها و ویژگی‌های معنوی در جهت افزایش کنش و بهزیستی زندگی روزانه.

**تعریف مفهومی شادکامی:** شادکامی عبارت است از بودن در حالت خوشحالی و سرور و یا دیگر هیجانات مثبت، جزء دیگر شادکامی راضی بودن از زندگی خود را در بر می‌گیرد و جزء سوم شامل فقدان افسردگی یا دیگر عواطف منفی است (آرگایل، ۲۰۰۳).

ونهنون (۱۹۹۷؛ به نقل از کاشدان، ۲۰۰۴) شادکامی را به عنوان مجموعه‌ای از عواطف و ارزیابی شناختی از زندگی افراد می‌داند که به طور کلی مثبت ارزیابی می‌شود.

### ۱-۷-۲- تعاریف عملیاتی

**تعریف عملیاتی هوش معنوی:** در این تحقیق منظور از هوش معنوی، نمره‌ی کسب شده توسط فرد شرکت کننده در پرسشنامه‌ی خودسنجی هوش معنوی که در سال ۲۰۰۸ توسط کینگ به منظور سنجش توانایی‌های ذهنی هوش معنوی ساخته شده است، می‌باشد. این پرسشنامه براساس مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرت طراحی شده است.

**تعریف عملیاتی شادکامی:** منظور از شادکامی در این پژوهش نمرات افراد در پرسشنامه آکسفورد می‌باشد.